

ریشه‌های تاریخی طرح‌های جابه‌جایی فلسطینیان سیاست‌های تخلیه اجباری و کوچاندن فلسطینیان از سرزمین خود، سابقه‌ای طولانی دارد و به سال ۱۹۴۸ بازمی‌گردد. در آن زمان، نیروهای صهیونیستی تلاش کردند تا فلسطینیان را از غزه بیرون کنند، اما مقاومت شدید مردم مواجه شدند. در بحران سوئز در سال ۱۹۵۶ و پس از اشغال کرانه باختری و غزه در سال ۱۹۶۷، اسرائیل بار دیگر تلاش کرد تا شرایطی را برای تخلیه جمعی فلسطینیان فراهم آورد. این سیاست‌ها همواره با شکست مواجه شده‌اند، زیرا فلسطینیان بر حق تاریخی خود برای زندگی در سرزمینشان پایبند مانده‌اند.

اما به طور مفصل تر می‌توان گفت سیاست‌های تخلیه اجباری و کوچاندن فلسطینیان از سرزمین‌های خود، به‌ویژه در برابر اقدامات صهیونیستی، سابقه‌ای طولانی و تاریک دارد که به



سال ۱۹۴۸ و تأسیس اسرائیل باز می‌گردد. در این سال، پس از اعلام استقلال اسرائیل و جنگی که در پی آن به‌ویژه میان اعراب و یهودیان صورت گرفت، نیروهای صهیونیستی برای تحقق اهداف خود در زمینه اشغال سرزمین‌های فلسطینی، دست به پاکسازی نژادی و تخلیه اجباری فلسطینیان زدند. این اقدامات، که شامل اخراج یا فراری دادن فلسطینی‌ها از خانه‌هایشان در مناطق مختلف بود، در تاریخ به عنوان یکی از مهم‌ترین و تلخ‌ترین رویدادهای قرن بیستم شناخته می‌شود. این سیاست‌ها در قالب عملیات‌هایی همچون «کتابه» یا «فاجعه»، منجر به آوارگی بیش از ۷۰۰٬۰۰۰ فلسطینی از سرزمین‌های خود شد و آغازگر روندی طولانی و دشوار از بی‌خانمانی و آوارگی برای فلسطینی‌ها بود.

در سال ۱۹۴۸، نیروهای صهیونیستی ضمن حملات نظامی به دهکده‌ها و شهرک‌های فلسطینی، مراکز مسکونی را تخریب کردند و بسیاری از فلسطینی‌ها را مجبور به ترک خانه‌هایشان کردند. همچنین، در برخی موارد از راهبردهای ترویجی مانند کشتار دسته‌جمعی و تهدید به کشتار استفاده شد تا فلسطینی‌ها از سرزمین خود فرار کنند. یکی از نمونه‌های بارز این سیاست، کشتار دیر یاسین بود که در آن ۱۰۰ فلسطینی توسط گروه‌های صهیونیستی کشته شدند. این اقدامات نه تنها نقض فاحش حقوق بشر بود، بلکه بر اساس بسیاری از گزارش‌های حقوقی، به‌عنوان پاکسازی نژادی قلمداد شد.

در سال ۱۹۵۶، در جریان بحران سوئز، رژیم آپارتاید اسرائیل مجدداً تلاش کرد تا شرایطی را برای جابه‌جایی فلسطینی‌ها از سرزمین‌های اشغالی ایجاد کند. پس از حمله مشترک اسرائیل، بریتانیا و فرانسه به مصر به‌منظور سرنگونی جمال عبدالناصر و کنترل کانل سوئز، اسرائیل هدف دیگری نیز داشت که آن هم تحمیل فشار بیشتر بر فلسطینیان در غزه و دیگر مناطق اشغالی بود. اسرائیل قصد داشت از این فرصت برای تقویت تسلط خود بر سرزمین‌های فلسطینی استفاده کند و فشار بر فلسطینی‌ها را افزایش دهد.

هرچند که عملیات‌های نظامی اسرائیل در این بحران موفقیت‌آمیز بود، اما با توجه به فشارهای

بحران‌های انسانی و اجتماعی فراوانی شد که هنوز هم در جامعه فلسطینیان محسوس است. دولت اسرائیل در این دوره تلاش کرد که با تحت فشار قرار دادن فلسطینی‌ها، آنان را مجبور به ترک خانه‌های خود کند.

در تمام این سال‌ها، فلسطینی‌ها نه تنها در برابر این سیاست‌های جابه‌جایی مقاومت کرده‌اند، بلکه همواره بر حق تاریخی خود برای زندگی در سرزمینشان پایبند مانده‌اند. از دهه‌ها قبل، درگیری‌های مسلحانه، اعتراضات مردمی و همچنین اقدامات دیپلماتیک از سوی رهبران فلسطینی همچون یاسر عرفات، به‌ویژه پس از تأسیس سازمان آزادی‌بخش فلسطین (PLO) در دهه ۱۹۶۰، نشان‌دهنده عزم راسخ فلسطینی‌ها برای حفظ هویت ملی و سرزمین خود بوده است. مقاومت فلسطینی‌ها در برابر این سیاست‌ها نه تنها در سطح نظامی بلکه در عرصه بین‌المللی



نیز ادامه یافت. در سطح بین‌المللی، بسیاری از کشورهای عربی و مسلمان به حمایت از حق فلسطینی‌ها برای بازگشت به سرزمین‌های خود پرداخته و قطعنامه‌هایی را در سازمان ملل متحد تصویب کردند که بر لزوم پایان اشغال و جابه‌جایی فلسطینی‌ها تأکید داشت. یکی از مهم‌ترین قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه ۲۴۲ در سال ۱۹۶۷ بود که خواستار عقب‌نشینی اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی و احترام به حقوق فلسطینی‌ها شد.

در حال حاضر، با توجه به تغییرات سیاسی در ایالات متحده و حمایت‌های جدید از اسرائیل به‌ویژه در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ، مسئله جابه‌جایی فلسطینی‌ها دوباره در دستور کار قرار گرفته است. پیشنهادات مختلفی برای تغییرات مرزی و تخلیه فلسطینی‌ها از سرزمین‌هایشان در حال بررسی است. یکی از جدیدترین تلاش‌ها، طرح‌های «معامله قرن» بود که توسط جارد کوشنر، داماد و مشاور ترامپ، طراحی شد. این طرح‌ها به‌طور خاص بر اساس تغییرات مرزی و جابه‌جایی فلسطینی‌ها تمرکز داشت.

پیشینه طولانی تخلیه اجباری فلسطینیان از سرزمین‌های خود نشان می‌دهد که این سیاست‌ها به‌رغم تلاش‌های مکرر اسرائیل، همواره با شکست روبه‌رو شده‌اند. مقاومت فلسطینی‌ها در برابر این اقدامات، نه تنها در عرصه‌های نظامی بلکه در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی نیز ادامه داشته و



در حالی که بسیاری از دولت‌های غربی، به ویژه ایالات متحده و کشورهای اتحادیه اروپا، همچنان از اسرائیل حمایت می‌کنند و سیاست‌های این رژیم را به عنوان بخشی از حق دفاع مشروع آن توجیه می‌کنند، افکار عمومی جهانی به شدت نسبت به رفتارهای اسرائیل حساس شده است. رسانه‌ها، سازمان‌های حقوق بشری و گروه‌های مدافع حقوق بشر به طور مداوم اقدامات اسرائیل در فلسطین را به ویژه در غزه، به عنوان نقض جدی حقوق بشر و قوانین بین‌المللی محکوم کرده‌اند. سیاست‌هایی مانند تخلیه اجباری غزه، که هدف آن تغییر وضعیت جمعیتی و جغرافیایی منطقه است، می‌تواند نه تنها منجر به بحران انسانی عظیم شود بلکه باعث افزایش فشارهای بین‌المللی علیه تل آویو گردد.

یک زن فلسطینی در جریان یک تظاهرات در غزه، ۲۰۱۸

فلسطینی‌ها در سراسر جهان از حق بازگشت به سرزمین‌های خود دفاع کرده‌اند. تاریخ گواه این است که این اقدامات هرگز نتوانسته‌اند هویت فلسطینی را از میان ببرند و در نهایت، به مقاومت است که پیروز خواهد شد.

همچنین، با توجه به تحولات اخیر در سیاست‌های جهانی، به‌ویژه از سوی ایالات متحده

دریچه‌ای به جهان khareji@kayhan.ir

در ماه‌های اخیر، بحث‌های جدیدی پیرامون سیاست‌های آمریکا در قبال فلسطین و به‌ویژه نوار غزه مطرح شده است. پیشنه‌هادهائی که از سوی برخی محافل سیاسی غربی، به‌ویژه در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، مطرح شده‌اند، بار دیگر نگرانی‌هایی را در باره آینده فلسطینیان برانگیخته‌اند. یکی از مهم‌ترین این پیشنهادات، تلاش برای تخلیه ساکنان غزه و اسکان آن‌ها در کشورهای همسایه مانند مصر و اردن است. این مقاله با استفاده از منابع غربی و تز پنجره دید آنان به بررسی پیامدهای این سیاست‌ها و واکنش‌های منطقه‌ای در قبال آن می‌پردازد.

مروری بر آرزوهای خام ترامپ در مورد فلسطین

غزه برای فلسطینی‌هاست!

و کوچاندن اجباری فلسطینیان بود که پیشتر توسط اسرائیل در دهه‌های گذشته مورد استفاده قرار گرفته بود.

در این راستا، ترامپ و مشاورانش مانند جارد کوشنر، داماد رئیس‌جمهور، به شدت بر این باور بودند که با ایجاد یک «راه‌حل نهائی» و تحمیل شرایط جدید به فلسطینی‌ها، می‌توانند وضعیت را با نفع اسرائیل تغییر دهند و روند صلح را تسهیل کنند. با این حال، بسیاری از تحلیلگران و دیپلمات‌ها بر این باور بودند که چنین طرح‌هایی نه تنها باعث پیچیده‌تر شدن بحران فلسطین می‌شود، بلکه ممکن است به تشدید تنش‌ها و درگیری‌ها در منطقه منجر شود.

همچنین، ارائه طرح «معامله قرن» که در آن به نوعی اسرائیل حق حاکمیت کامل بر قدس را به رسمیت می‌شناسخت و اراضی فلسطینی‌ها را به صورت قابل توجهی محدود می‌کرد، یکی از بزرگ‌ترین اعتراضات جهانی را برانگیخت. این طرح که به‌طور خاص از سوی اسرائیل استقبال شد، به‌وضوح نشان‌دهنده حمایت بی‌برای ترامپ از سیاست‌های اشغالگرانه اسرائیل بود. فلسطینی‌ها قطع تحقق نخواهد یافت. بنابراین، فلسطینی‌ها همچنان بر حق خود برای زندگی در سرزمین‌شان پافشاری خواهند کرد و هرگونه تلاش برای تحمیل جابه‌جایی اجباری بر آنها محکوم به شکست خواهد بود.

ترامپ و رویکرد جدید آمریکا نسبت به غزه
در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، سیاست‌های آمریکا نسبت به فلسطین تغییرات چشمگیری داشت که تأثیرات آن سه تنها فلسطینی دارند، به هیچ وجه حاضر به پذیرش طرح تخلیه غزه و اسکان فلسطینی‌ها در خاک خود نبودند. این مخالفت‌ها و مقاومت‌های منطقه‌ای در کنار واکنش‌های منفی جهانی، باعث شد که طرح‌های ترامپ به نتیجه مطلوبی برای اسرائیل نرسد.

در نتیجه، سیاست‌های ترامپ نه تنها نتوانست به‌طور کامل خواسته‌های اسرائیل را تأمین کند، بلکه بر فشارها و تنش‌ها در منطقه افزود و به‌ویژه فلسطینی‌ها را به مقابله بیشتر با این سیاست‌ها واداشت. این سیاست‌ها نشان‌دهنده تغییرات بنیادین در سیاست خارجی آمریکا و نشانگر روندی است که همچنان تأثیرات آن بر وضعیت فلسطین منطقه ادامه دارد.

واکنش‌های منطقه‌ای به طرح تخلیه غزه
جدداً از واقعی بودن یا نبودن واکنش‌ها این طرح واکنش‌های شدیدی به دنبال داشته است. اردن و مصر، به‌عنوان دو کشور همسایه فلسطین و بازیگران اصلی در مسائل خاورمیانه، همواره مواضع جدی و قاطعی در برابر تلاش‌های بین‌المللی برای تحمیل تغییرات جغرافیایی و جمعیتی در سرزمین‌های فلسطینی اتخاذ کرده‌اند. این دو کشور به‌ویژه در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، که طرح‌های جنجالی و پرمخاطره‌ای را در زمینه فلسطین ارائه داد، موضعی قوی علیه چنین طرح‌هایی اتخاذ کردند. یکی از مهم‌ترین اقدامات ترامپ که موجب نگرانی شدید کشورهای عربی، به‌ویژه اردن و مصر شد، پیشنهاد تخلیه اجباری غزه و اسکان فلسطینی‌ها در کشورهای همسایه مانند مصر و اردن بود. این طرح، که در قالب‌های مختلفی مطرح شد، به‌طور خاص با مخالفت‌های گسترده‌ای مواجه گردید، زیرا به باور این کشورها، فلسطینی‌ها در اراضی خود، نه تنها باید با فشارهای داخلی در خصوص افزایش جمعیت روبه‌رو شود، بلکه ممکن است بر روندهای سیاسی و اجتماعی کشور نیز تأثیر منفی بگذارد.

پادشاه اردن، ملک عبدالله دوم، بارها اعلام کرده است که هرگونه تلاش برای تغییر وضعیت جغرافیایی و جمعیتی فلسطینی‌ها در این مرحله، تهدیدی جدی علیه امنیت و ثبات منطقه‌ای است. اردن، که خود میزبان تعداد زیادی از پناهندگان فلسطینی است، نگرانی‌هایی عمیق از این دارد که پذیرش میلیون‌ها پناهنده فلسطینی جدید، علاوهبر افزایش بار اقتصادی و اجتماعی، باعث تشدید مشکلات داخلی در این کشور شود. ملک عبدالله در دیدارهای متعدد با مقامات آمریکایی تأکید کرده است که اردن هیچ‌گونه تغییر جمعیتی جدیدی را در خاک خود نخواهد پذیرفت و سیاست‌های

حقوق بشری است، بلکه می‌تواند به بحران‌های تازه‌ای در منطقه منجر شود.

در نهایت، مقامات اردنی و مصری تأکید دارند که سیاست‌های فشار و تحمیل راه‌حل‌های یکجانبه به فلسطینی‌ها، به‌ویژه در شرایطی که بحران‌های انسانی و سیاسی در منطقه در حال تشدید است، نه‌تنها به نتیجه مطلوبی نخواهد رسید، بلکه می‌تواند باعث گسترش تنش‌ها و بی‌اعتمادی در میان کشورهای منطقه شود. به‌ویژه که این طرح‌ها از سوی بسیاری از تحلیلگران به‌عنوان نوعی سیاست پاکسازی نژادی و حذف هویت فلسطینیان تلقی می‌شود. به‌این‌ترتیب، کشورهای عربی نظیر اردن و مصر بر لزوم همبستگی و حمایت از حقوق فلسطینی‌ها تأکید دارند و آماده‌اند تا هرگونه فشار برای تغییر وضعیت فلسطین را رد کنند.

پیامدهای احتمالی اجرای این طرح

اگرچه تاکنون این طرح‌ها به‌صورت عملی

حمایت‌های بین‌المللی از قسیه فلسطین، به ویژه از سوی کشورهای عربی و افکار عمومی جهانی، نقشی حیاتی در تقویت انگیزه‌های فلسطینیان ایفا کرده است. در نهایت، این تجربه ثابت می‌کند که راه‌حل‌های اجباری و فشارهای یکجانبه بر فلسطینیان، تنها به افزایش ناراضیاتی و تشدید تنش‌ها می‌انجامد و برای اسرائیل و حامیان آن، ممکن است به نتیجه معکوس و بحران‌های پیچیده‌تری منتهی شود. انزوای بیشتر اسرائیل در عرصه بین‌المللی: در حالی که بسیاری از دولت‌های غربی، به ویژه ایالات متحده و کشورهای اتحادیه اروپا، همچنان از اسرائیل حمایت می‌کنند و سیاست‌های این رژیم را به عنوان بخشی از حق دفاع مشروع آن توجیه می‌کنند، افکار عمومی جهانی به شدت نسبت به رفتارهای اسرائیل حساس شده است. رسانه‌ها، سازمان‌های حقوق بشری و گروه‌های مدافع حقوق بشر به طور مداوم اقدامات



تجربه تاریخ نشان داده است که هر گونه فشار و تلاش برای تضعیف فلسطینیان، به‌ویژه در مواجهه با سیاست‌های سلطه‌جویانه و سر کوبگر، اغلب نه‌تنها نتیجه دلخواه را برای نیروهای حاکم به همراه ندارد، بلکه تأثیرات معکوسی ایجاد می‌کند که به تقویت روحیه مقاومت و مبارزه فلسسطینیان منجر می‌شود. هر بار که فشارهای اقتصادی، سیاسی یا نظامی به فلسطینیان افزایش یافته است، به‌جای اینکه آن‌ها را وادار به تسلیم کند، موجب رشد و تحکیم عزم آن‌ها برای مقاومت شده است. گروه‌های فلسطینی، از جمله حماس و جهاد اسلامی، با اتخاذ استراتژی‌های جدید و تطبیق خود با تغییرات میدانی و بین‌المللی، توانسته‌اند نه‌تنها در برابر حملات اسرائیل ایستادگی کنند، بلکه مبارزه خود را با روش‌های متنوع تر، از جمله استفاده از فناوری‌های نوین، تقویت کنند.

تجربه تاریخ نشان داده است که هر گونه فشار و تلاش برای تضعیف فلسطینیان، به‌ویژه در مواجهه با سیاست‌های سلطه‌جویانه و سر کوبگر، اغلب نه‌تنها نتیجه دلخواه را برای نیروهای حاکم به همراه ندارد، بلکه تأثیرات معکوسی ایجاد می‌کند که به تقویت روحیه مقاومت و مبارزه فلسسطینیان منجر می‌شود. هر بار که فشارهای اقتصادی، سیاسی یا نظامی به فلسطینیان افزایش یافته است، به‌جای اینکه آن‌ها را وادار به تسلیم کند، موجب رشد و تحکیم عزم آن‌ها برای مقاومت شده است. گروه‌های فلسطینی، از جمله حماس و جهاد اسلامی، با اتخاذ استراتژی‌های جدید و تطبیق خود با تغییرات میدانی و بین‌المللی، توانسته‌اند نه‌تنها در برابر حملات اسرائیل ایستادگی کنند، بلکه مبارزه خود را با روش‌های متنوع تر، از جمله استفاده از فناوری‌های نوین، تقویت کنند.

اسرائیل در فلسطین را به ویژه در غزه، به عنوان نقض جدی حقوق بشر و قوانین بین‌المللی محکوم کرده‌اند. سیاست‌هایی مانند تخلیه اجباری غزه، که هدف آن تغییر وضعیت جمعیتی و جغرافیایی منطقه است، می‌تواند نه تنها منجر به بحران انسانی عظیم شود بلکه باعث افزایش فشارهای بین‌المللی علیه تل آویو گردد. کشورهای مختلف، از جمله برخی کشورهای عربی، نیز به صراحت نسبت به چنین سیاست‌های واکنش نشان داده‌اند و هشدار داده‌اند که این اقدامات می‌تواند منجر به تشدید تنش‌ها در خاورمیانه و بی‌ثباتی بیشتری در منطقه شود. به طور خاص، سازمان ملل متحد و اتحادیه عرب بارها خواستار توقف فوری تخریب‌ها و تخلیه‌ها در غزه شده‌اند و این موضوع به عنوان یکی از مسائل اصلی در دیپلماسی جهانی مطرح است. از سوی دیگر، افکار عمومی در بسیاری از کشورها، به ویژه در اروپا و آمریکای لاتین، به شدت از سیاست‌های اسرائیل انتقاد کرده‌اند و اعتراضات گسترده‌ای علیه اقدامات این رژیم صورت گرفته است. این اعتراضات و فشارهای جهانی ممکن است نهایتاً تل آویو را در موقعیتی قرار دهد که مجبور به بازنگری در سیاست‌های خود شود، زیرا ادامه این اقدامات می‌تواند باعث تضعیف روابط اسرائیل با بسیاری از کشورها و حتی تهدید منافع استراتژیک آن در سطح جهانی گردد.

چشم‌انداز آینده و راهکارها

بررسی تاریخ سیاست‌های آمریکا و اسرائیل در قبال فلسطین نشان می‌دهد که سیاست‌های اعمال فشار و کوچاندن جمعیت هیچ‌گاه موفق نبوده‌اند. فلسطینیان در طول دهه‌ها نشان داده‌اند که در برابر چنین تهدیدهایی مقاومت خواهند کرد و بر سرزمین خود پایدار خواهند ماند. راهکارهای پیشنهادی برای حل این بحران به شرح زیر است: پایان اشغالگری و توقف شهرک‌سازی‌ها؛ شهرک‌سازی‌های غیرقانونی در کرانه باختری و محاصره غزه باید پایان یابد تا امکان تشکیل یک کشور فلسطینی مستقل فراهم شود. بازگشت به مذاکرات بر اساس قطعنامه‌های بین‌المللی؛ تنها راه‌حل پایدار، بازگشت به مذاکرات واقعی بر اساس قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و قوانین بین‌المللی است. البته اگر این سازمان‌ها و قوانین منعی داشته باشند! افزایش فشارهای بین‌المللی بر اسرائیل: کشورهای جهان باید فشارهای بیشتری را بر اسرائیل وارد کنند هرگونه تلاش برای نابودی یا سرکوب فلسطینی‌ها، به همین دلیل، هرگونه اقدام به تغییرات جمعیتی در فلسطین، به‌ویژه تحت فشارهای بین‌المللی، از نظر این کشورها نه تنها مخالف اصول



*** منابع در دفتر روزنامه موجود است.**